خبر

فقط ۳ مدرسه تأییدیه ایمنی گرفته‌اند

ایسنا: معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران از عقب‌ماندگی مدارس در حوزه ایمنی خبر داد و گفت: «از میان بیش از ۶۴۲۰ مدرسه و مهدکودک تهران، فقط سه مورد موفق به دریافت تأییدیه نهایی ایمنی شده‌اند که ضعف اعتبارات و بی‌توجهی به دستورالعمل‌های ایمنی مهم‌ترین عوامل این وضعیت است». کامران عبدولی با اشاره به وضعیت ایمنی مدارس گفت: «یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان، ایمنی مدارس و مهدکودک‌هاست». او توضیح داد: «نسبت به سایر ساختمان‌ها، مدارس در زمینه ایمنی عقب‌تر هستند و پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند، در حالی که ساختمان‌های درمانی، تجاری و مسکونی جدید اقدامات مناسبی در این زمینه انجام داده‌اند». عبدولی افزود: «دلیل این عقب‌ماندگی عمدتا مربوط به مسائل نقدینگی و اعتبارات است و امیدواریم که با همکاری خیرین، مجموعه آموزش و پرورش و سایر منابع مالی، اعتبارات لازم برای ارتقای ایمنی مدارس در نظر گرفته شود». معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران آمار مدارس و مهدکودک‌های تحت پوشش شهر تهران را اعلام کرد و گفت: «شش هزارو ۴۲۰ مدرسه به طور تقریبی شامل هزارو ۵۰۴ مهدکودک و پیش‌دبستانی، دو هزارو ۵۰ مدارس ابتدایی، متوسطه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش دو هزارو ۳۸۳ مدرسه و تعداد مدارس کودکان استثنایی و متوسطه استثنایی نیز مجموعا ۸۸ است که از مجموع این مدارس، دو هزارو ۹۱۳ واحد غیردولتی و سه هزارو ۱۲۹ واحد دولتی هستند». عبدولی یادآور شد سازمان آتش‌نشانی طی سال‌های گذشته این مدارس را چندین بار بازدید کرده، اخطارها و دستورالعمل‌های لازم را ارائه داده و تلاش کرده پرونده‌هایی برای ارتقای ایمنی تشکیل شود. با این حال، تاکنون ۴۳ پرونده تشکیل شده و فقط سه مورد به تأییدیه نهایی رسیده‌اند و بقیه اقدامات مؤثر تاکنون اجرائی نشده است: «انتظار می‌رود با اقدامات کم‌هزینه مانند آموزش عمومی مربیان و مدیران مدارس، آموزش آتش‌نشانی داوطلبانه و مراجعه ایستگاه‌ها، اقدامات ایمنی در مدارس پیشرفت کند. این آموزش‌ها می‌توانند به جلوگیری از توسعه آتش در مراحل اولیه کمک کنند و رفتارهای پرخطر را کنترل کنند».

گزارش

لزوم پرهیز از فشارهای سیاسی و پروژه‌های تکلیفی در صندوق‌های بازنشستگی

ادامه از صفحه ۴

خراسانی افزود: با گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای کارکنان نسل جدید صنعت نفت و رشد فعالیت بخش خصوصی و پیمانکاران آن در پروژه‌های نفتی و پیرامون صنعت نفت، رفته‌رفته کسورات‌پردازان و شاغلانی که در این صندوق بازنشسته می‌شدند، رو به کاهش رفت. در صندوق بازنشستگی صنعت نفت این ضریب اکنون تقریبا یک به یک شده است؛ یعنی به‌ازای هر یک نفر شاغلِ حق‌بیمه‌پرداز، یک نفر مستمری‌بگیر وجود دارد. این نسبت در مقایسه با استانداردهای رایج -که معمولا بین پنج تا هفت شاغل به‌ازای هر مستمری‌بگیر را توصیه می‌کنند- بسیار پایین و هشداردهنده است. همچنین باید توجه داشت که حداقل این نسبت برای جلوگیری از ورشکستگی صندوق‌ها چهار است. او درباره وضعیت سایر صندوق‌ها توضیح داد: طبق آخرین داده‌های آماری، ضریب پشتیبانی در صندوق کشوری به‌ازای تعداد بیمه‌پرداز (کسورپرداز) و حقوق‌بگیر تحت پوشش حدود ۰.۴۹ یعنی کمتر از یک است، بنابراین براساس این آمار رسمی، صندوق کشوری از سال ۱۳۹۱ دچار بحران شده و اینکه توانسته به تعهدات خود عمل کند، صرفا به دلیل کمک‌های دولتی بوده است. همچنین طبق اعلام مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در خرداد ۱۴۰۴ ضریب پشتیبانی این سازمان به ۳.۸ رسیده است؛ درحالی‌که این رقم در سال ۱۳۹۹ حدود ۴.۴ و در سال ۱۳۵۴ زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی یک به ۱۲ بود؛ به این معنا که برای هر بازنشسته، ۱۲ نفر حق بیمه پرداخت می‌کردند. این کاهش چشمگیر، هشدار روشنی است برای آینده‌ای که امکان دارد برای میلیون‌ها نفر ناامن شود.

این پژوهشگر توسعه ادامه داد: کاهش ضریب پشتیبانی باعث شده بسیاری از این صندوق‌ها با کسری بودجه مواجه شده و برای تأمین تعهدات خود ناچار به استفاده از منابع عمومی مانند مالیات و فروش دارایی‌های خود شوند. به طور قطع ادامه این روند در صندوق‌ها باعث افزایش فشار بر منابع صندوق، کاهش قدرت پرداخت تعهدات و رشد ناترازی درآمد و هزینه خواهد شد.

خراسانی با تأکید بر اینکه بخش‌های اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی کشور اعم از شستا، اهداف، آتیه صبا، غدیر و... برای عبور از بحران‌های مالی و اجتماعی نیازمند فعال‌سازی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی خود هستند، گفت: اولین قدم برای رسیدن به این هدف، ثبات در مدیریت است. متأسفانه صندوق‌های بازنشستگی در کنار پایین‌آمدن ضریب پشتیبانی با چالش عدم ثبات مدیریت یا عمر کوتاه مدیران در صندوق‌ها مواجه هستند و این تغییرات مکرر در بازه‌های زمانی کوتاه، نه‌تنها فضای سازمان را دچار نااطمینانی می‌کند، بلکه ثبات تصمیم‌گیری را هم از بین می‌برد. این پژوهشگر توسعه افزود: طبق تحقیقات انجام‌شده، کم‌توجهی به برنامه‌های بلندمدت و ازدست‌رفتن جسارت در تصمیم‌گیری‌های کلان، توقف یا کندی اجرای پروژه‌ها، کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌ها، افت انگیزه کارکنان و کاهش اعتماد عمومی فقط بخشی از آثار منفی ناشی از تغییرات مکرر مدیریتی است. از سوی دیگر، مدیران جدید برای شناخت کامل ساختار، فرایندها و نیروی انسانی سازمان به زمان نیاز دارند و این امر ممکن است منجر به تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و گاه نادرست شود. در چنین شرایطی، کارکنان نسبت به آینده کاری خود احساس امنیت نمی‌کنند و نمی‌توانند بر اجرای برنامه‌های بلندمدت متمرکز شوند، در نتیجه انگیزه و کارایی آنان کاهش می‌یابد.

او ادامه داد: همچنین تقویت استقلال مدیریتی صندوق‌ها، کاهش دخالت‌های سیاسی، ظرفیت‌سازی و توسعه سرمایه انسانی، آموزش و ارتقای مدیران میانی برای ایجاد پشتوانه مدیریتی، طراحی مسیر جانشین‌پروری به‌منظور استمرار رهبری سازمانی از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به استقرار حکمرانی پایدار در صندوق‌ها کمک کند. این پژوهشگر توسعه یکی دیگر از مشکلات صندوق‌ها را واگذاری شرکت‌های زیان‌ده و اعمال فشارهای سیاسی عنوان کرد و گفت: عملکرد نامناسب دولت‌های مختلف در قبال صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه بازپرداخت تعهدات دولت از طریق واگذاری شرکت‌های زیان‌ده یا کم‌بازده دولتی آن هم با تأخیر چندساله، چالش‌های موجود در برخی صندوق‌ها را تشدید کرده است. از سویی تحمیل پروژه‌های تکلیفی و اعمال فشارهای سیاسی بر صندوق‌های بازنشستگی نیز معمولا موجب ورود طرح‌های غیراقتصادی و کم‌بازده به سبد سرمایه‌گذاری صندوق‌ها شده و در نتیجه بازدهی و پایداری مالی آنها را تضعیف کرده است. خراسانی با تأکید بر ضرورت تقویت بخش‌های مطالعات اقتصادی و تحلیل‌های راهبردی در ساختار صندوق‌ها، تأکید کرد: باید در همه صندوق‌ها، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری بر پایه ارزیابی‌های علمی، داده‌محور و مبتنی بر منطق اقتصادی صورت گیرد؛ چراکه مدیریت کارآمد منابع و سرمایه‌گذاری هوشمندانه، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و الزامات بقای یک صندوق است.

او افزود: اداره صحیح شرکت‌ها و دارایی‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی و مدیریت کارآمد این پورتفوی گسترده، نه‌تنها از منظر صیانت از سرمایه و افزایش ارزش دارایی‌های بازنشستگان حائز اهمیت است، بلکه تأثیر مستقیمی بر روند اقتصاد کلان و ثبات مالی کشور دارد.

گزارش «شرق» از گمانه‌زنی‌ها برای اعمال محدودیت‌های جدید مهریه و تبعات اجتماعی و حقوقی آن

مهریه در ایران؛ از عندالمطالبه تا عندالاستطاعه

پرداخت مهریه فقط زمانی که مرد توانایی مالی داشته باشد، آزادی اراده در قراردادها را نقض کرده و تعهد زوج را از یک دین مسلم به تکلیفی معلق تبدیل می‌کند. این تغییر نه‌تنها نظم حقوقی را دگرگون، بلکه جایگاه حمایتی مهریه برای زنان را نیز تضعیف می‌کند

مریم لطفی: در روزهای اخیر، موضوع تغییر شرایط پرداخت مهریه در عقدنامه‌های رسمی به یکی از مباحث مهم حقوقی و اجتماعی در ایران تبدیل شده است. ۱۳ مهر، آیت‌الله جعفر سبحانی، از مراجع تقلید شیعه، خطاب به محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، خواستار اصلاح شرایط پرداخت مهریه در عقدنامه‌ها شد. او پیشنهاد کرده است که در تمام عقدنامه‌ها، پرداخت مهریه به صورت «عندالاستطاعه» (براساس توانایی مالی مرد) درج شود، نه «عندالمطالبه» (مطالبه فوری). آیت‌الله سبحانی در این نامه تأکید کرده است که صحت و مشروعیت مهریه زمانی محقق است که مرد توانایی انجام و پرداخت آن را داشته باشد و شرط خلاف آن از نظر فقهی مشروع و الزام‌آور نیست. او همچنین پیشنهاد کرده است شورای فقهی قوه قضائیه این موضوع را بررسی کرده و نتیجه را به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال کند تا پس از تصویب، در عقدنامه‌ها قید شود که مهریه عندالاستطاعه است. پس از نامه آیت‌الله سبحانی، موسی غضنفرآبادی، نماینده مجلس، با اشاره به نحوه قید مهریه در عقدنامه‌ها گفت برخی افراد همچنان مهریه را به صورت عندالمطالبه ثبت می‌کنند و نمی‌توان تضمین کرد که همه مهریه‌ها به صورت عندالاستطاعه باشند. به نظر می‌رسد این اظهارات در پی افزایش زندانیان مهریه و مشکلات ناشی از آن مطرح شده است. براساس گزارش خبرگزاری تسنیم در ۱۸ تیر سال جاری، در میان بیش از ۱۷ هزار زندانی غیرعمد کشور، بیش از دو هزار نفر به دلیل شکایت مرتبط با مهریه در زندان به سر می‌برند. از این تعداد، حدود ۷۰۰ نفر دارای بدهی کمتر از صد میلیون تومان هستند که عمدتا شامل افرادی می‌شود که فاقد شغل و توان مالی کافی برای پرداخت مهریه هستند. این افراد با وجود اطلاع از تعهدات مالی خود و هشدارهای قانونی، به دلیل ناتوانی در پرداخت، روانه زندان شده‌اند. عدد بدهی اصلی بسیاری از این زندانیان بیش از صد میلیون تومان بوده، اما پس از پذیرش اعسار و تقسیط بدهی، مبالغ کمتری به عنوان پیش‌قسط تعیین شده است که حتی پرداخت آن نیز برای آنها امکان‌پذیر نبوده است.

تجربه شخصی از یک غافلگیری در زمان عقد

«بهار» از تجربه ازدواجش می‌گوید؛ تجربه‌ای که در ظاهر بی‌دردسر بود، اما در لحظه عقد، او را با تصمیمی روبه‌رو کرد که از پیش هیچ تصوری از آن نداشت؛ آن‌هم عقد در زمان جنگ ۱۲روزه که وضعیت عجیبی بود: «ما پیش از عقد بر سر همه چیز توافق داشتیم و فکر می‌کردم تعیین مهریه فقط به مبلغ آن مربوط است. تازه وقتی پای محضر رسیدیم، فهمیدم گزینه‌هایی مثل عندالمطالبه و عندالاستطاعه وجود دارد. تا آن لحظه اصلا نشنیده بودم چنین تفاوتی هست. ناگهان پرسیدند مهریه را عندالاستطاعه بزنیم یا عندالمطالبه؟ و من بی‌آنکه فرصت فکرکردن داشته باشم، تصمیم گرفتم».

او می‌گوید در آن شرایط بیشتر بنا بر اعتماد و شناختی که از همسرش داشته عمل کرده است تا آگاهی حقوقی: «رابطه ما صمیمی و بر پایه تفاهم بود. حتی اگر روزی مشکلی پیش می‌آمد، دلم نمی‌خواست طرف مقابلم متضرر شود. به‌همین‌خاطر گفتم عندالاستطاعه باشد». بهار می‌گوید فضای رسمی عقد و کمبود زمان، اجازه گفت‌وگوی جدی درباره حقوق زنان در ازدواج را از او گرفته بود: «همه می‌گویند هنگام ازدواج از طلاق حرف نزنید، اما واقعیت این است که همان‌جا باید درباره همین چیزها صحبت کرد. بعد که زندگی شروع می‌شود، دیگر دیر است. من همان‌جا فهمیدم که شروط ضمن عقد در محضر باید خریداری شود؛ مثلا حق خروج از کشور، حق طلاق یا حضانت فرزند. برای چند مورد از این حقوق از ما شش میلیون تومان گرفتند. انگار زن باید برای به‌دست‌آوردن ابتدایی‌ترین حقوقش هم هزینه پرداخت کند». او درعین‌حال از خوش‌شانسی خود سخن می‌گوید که در رابطه‌ای مبتنی بر احترام و تفاهم ازدواج کرده، اما معتقد است ساختار حقوقی ازدواج همچنان نابرابر است: «من از سر خوش‌اقبالی در رابطه‌ای سالم و برابر هستم، اما اگر زنی در شرایط مشابهی نباشد، همین بندها می‌تواند سرنوشتش را تغییر دهد. قانون، هنوز بیشتر از مرد محافظت می‌کند. مرد حتی اگر خطایی کند -از خشونت تا خیانت- می‌تواند بدون پرداخت خسارت رابطه را تمام کند. درحالی‌که زن معمولا دست خالی می‌ماند». بهار به یکی از مهم‌ترین نقدهایش بر مفهوم «عندالاستطاعه» اشاره می‌کند: «اصلا استطاعت یعنی چه؟ چه کسی تعیین می‌کند مرد استطاعت دارد یا نه؟ در عمل خیلی‌ها اموال‌شان را به نام دیگران می‌زنند تا بگویند چیزی ندارند و از پرداخت مهریه فرار کنند. این گزینه، میدان فرار را برای مردها باز می‌کند. آن وقت در ظاهر می‌گویند عدالت برقرار شده است».

سالانه ۲۴۰ هزار پرونده مهریه

خرداد امسال، محمد سرگزی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس، اعلام کرد که سالانه ۲۴۰ هزار پرونده فقط با موضوع مهریه در کشور تشکیل می‌شود. از این میزان بیش از ۴۰ هزار پرونده تا زمان صدور حکم منجر به زندان می‌شود. این اعداد نشان می‌دهد که مهریه یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مسائل حقوقی در زندگی خانوادگی محسوب می‌شود. در عمل، بسیاری از این پرونده‌ها بازتاب‌دهنده نابرابری‌ها و فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که زوجین تجربه می‌کنند. «احمد»، مردی ۴۳ساله، معتقد است نظام مهریه در ایران از اساس نیازمند بازنگری جدی است. از نگاه او، تعیین سقف‌هایی مانند ۱۱۰ سکه یا تعریف گزینه‌هایی مانند «عندالمطالبه» و «عندالاستطاعه» نتوانسته‌اند عدالت را برقرار کنند و صرفا به پیچیدگی‌های تازه‌ای در مناسبات حقوقی و خانوادگی انجامیده‌اند. او بر این باور است که ساختار فعلی ازدواج در ایران باید به سمت الگوهایی نزدیک شود که در آن دارایی‌ها و دستاوردهای زندگی مشترک به طور عادلانه میان دو طرف تقسیم می‌شود؛ مشابه برخی نظام‌های حقوقی در کشورهای اروپایی. به نظر او، چنین الگویی منطقی‌تر و منصفانه‌تر از رویکرد سنتی مهریه است، زیرا پیوند ازدواج را از معامله‌ای مالی به رابطه‌ای متقابل و برابر تبدیل می‌کند. در تحلیل او، مهریه در وضعیت کنونی بیش از آنکه ابزار حمایت از زنان باشد، به عرصه‌ای برای سوءاستفاده هر دو طرف بدل شده است؛ گاه زنان از آن به عنوان اهرم فشار برای احقاق حقوق ازدست‌رفته استفاده می‌کنند و گاه مردان با پنهان‌کردن دارایی یا انتقال اموال از پرداخت مهریه می‌گریزند. به باور احمد، در چنین شرایطی «هرکس زیرک‌تر باشد، برنده می‌شود» و این نشانه‌ای است از ضعف قانون، نه از برتری یکی از جنسیت‌ها. او مسئله زندان برای محکومان مهریه را نیز بی‌ثمر می‌داند و آن را هزینه‌ای مضاعف بر دوش جامعه تلقی می‌کند. به اعتقاد او، هیچ قانون پایداری در زمینه اقتصادی ناپایدار نمی‌تواند نتیجه عادلانه‌ای به همراه آورد؛ تا زمانی که ثبات اقتصادی وجود نداشته باشد، هر سازوکار حقوقی با چالش مواجه خواهد شد.

سقف مهریه

براساس قانون فعلی، دادگاه سقف قانونی مهریه را ۱۱۰ سکه در نظر می‌گیرد؛ این قانون با هدف کاهش طلاق و تحکیم بنیان خانواده تصویب شده است. مهریه باید منقول و مالی باشد و درصورتی‌که مرد درخواست طلاق کند، ملزم به پرداخت تمام مهریه است؛ هرچند دادگاه برای او امکان تقسیط فوری در نظر نمی‌گیرد. با این حال، اگر مهریه بالاتر از ۱۱۰ سکه باشد و مرد دارای اموالی باشد، زن می‌تواند آن اموال را برای وصول مهریه توقیف کند. زوج فاقد توانایی مالی می‌تواند با تقدیم دادخواست اعسار، مهریه را به صورت اقساط پرداخت کند. چند روز پیش، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس درباره برخی برداشت‌های مطرح‌شده درباره تعیین سقف مهریه توضیحاتی داد و اعلام کرد که هرگونه شایعه درباره تعیین سقف مهریه یا محدودسازی حقوق زنان صحت ندارد و تکذیب شده است. او تأکید کرد که هدف اصلی طرح اصلاح قانون اجرای محکومیت‌های مالی، کاهش آمار زندانیان ناشی از مهریه و در عین حال حفظ حقوق زنان و تأمین عدالت در روابط زناشویی است. این اطمینان داده شد بررسی‌ها و تصمیمات مجلس با رویکرد کارشناسی و رعایت توازن حقوق طرفین صورت می‌گیرد تا طرح نهایی هم از نظر اجتماعی و هم حقوقی جامع و منصفانه باشد.

مداخله قانون‌گذار در روابط خصوصی

مونیکا نادی، حقوقدان و وکیل دادگستری و کنشگر حوزه زنان، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به ماهیت حقوقی مهریه در نظام قانونی ایران تأکید می‌کند مهریه، در اصل، یک دین مالی بر ذمه مرد است که مطابق قانون فعلی، «عندالمطالبه» محسوب می‌شود؛ به این معنا که زن در هر زمان می‌تواند آن را مطالبه کند و مرد موظف به پرداخت آن است. به گفته نادی، نحوه وصول مهریه نیز مشابه سایر دیون مالی در قانون پیش‌بینی شده و در چارچوب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی صورت می‌گیرد؛ قانونی که تعیین می‌کند در صورت پرداخت‌نکردن دین و نبود دارایی، امکان جلب بدهکار وجود دارد تا زمانی که اعسار (ناتوانی در پرداخت) او ثابت شود. او توضیح می‌دهد که در سال‌های اخیر، قانون‌گذار به بهانه‌های مختلف از جمله افزایش شمار زندانیان مهریه، نگرانی نسبت به فروپاشی نهاد خانواده و محدودیت منابع مالی برای نگهداری محکومان مالی، به‌تدریج درصدد تغییر ماهیت حقوقی مهریه برآمده است: «نخست با تعیین سقف ۱۱۰ سکه برای صدور حکم جلب در پرونده‌های مهریه، این دین از سایر دیون مالی جدا و حتی طرح‌هایی برای کاهش این سقف به ۱۴ سکه نیز مطرح شد. اکنون نیز طرح تازه‌ای مبنی بر تبدیل ماهیت پرداخت مهریه از «عندالمطالبه» به «عندالاستطاعه» در حال بررسی است». نادی معتقد است اصل جلوگیری از زندانی‌شدن افراد به دلیل بدهی مهریه اقدامی مثبت است، اما فقط در صورتی می‌تواند عادلانه تلقی شود که مبتنی بر تبعیض بی‌دلیل و استثناگذاری ناعادلانه نباشد. او یادآور می‌شود مهریه، برخلاف تصور رایج، بخشی از روابط خصوصی افراد است و باید بر پایه توافق میان طرفین تنظیم شود، نه با دخالت مکرر قانون‌گذار. از نظر او، مداخله در این حوزه با اصول بنیادین حقوق خصوصی و حتی قانون اساسی مغایرت دارد، چراکه قانون‌گذار حق ندارد یک دین خصوصی را از سایر دیون مشابه جدا کرده و برای آن شرایط خاصی مانند «عندالاستطاعه‌بودن» تعریف کند. به گفته نادی، چنین اقدامی، علاوه بر نقض اصل برابری در قانون، مصداقی از تبعیض ساختاری علیه زنان است که حق وصول طلب مالی‌شان را به تشخیص استطاعت مالی مرد منوط می‌کند.

محدودیت‌های اجرای «عندالاستطاعه»

به گفته نادی، زنان در جامعه ایران با نابرابری‌های متعددی مواجه‌اند؛ از جمله در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، شغلی، تحصیلی و حقوق خانوادگی مانند حضانت و حق خروج از کشور: «مهریه برای زنان فقط یک حق مالی نیست، بلکه ابزاری است برای تضمین دسترسی به حقوقی که در ازدواج در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد. حتی در شرایط فعلی، وصول مهریه برای زنان دشوار است، زیرا مردان می‌توانند با اقدامات متقلبانه مانند معاملات صوری یا تقسیم مهریه به اقساط بسیار کوچک از پرداخت آن فرار کنند». نادی تأکید می‌کند مهریه برای زنان به عنوان وسیله‌ای برای تحقق حقوق برابر در زندگی خانوادگی، اهمیت دارد؛ بنابراین هرگونه تغییر قانونی که بدون درنظرگرفتن این زمینه‌ها اعمال شود، می‌تواند به‌جای تأمین عدالت، به منافع خانواده و امنیت روانی زن و مرد آسیب برساند. به بیان او، تحکیم خانواده زمانی حاصل می‌شود که زن و مرد احساس امنیت و آرامش در موقعیت برابر داشته باشند؛ اما در شرایط فعلی، زنان از لحاظ شغلی، درآمدی و حقوق خانوادگی در موقعیت برابر با مردان نیستند و هر تغییر ساختاری که این عدم توازن را در نظر نگیرد، اثر معکوس خواهد داشت.

ضرورت برابری حقوقی در ازدواج

به گفته این حقوقدان، مهریه در ایران به عنوان یک ابزار حقوقی صرفا مالی نیست، بلکه نقش مهمی در توازن حقوقی زنان در زندگی خانوادگی ایفا می‌کند: «زمانی می‌توان درباره کاهش یا حذف مهریه صحبت کرد که حقوق زنان در جامعه و خانواده به صورت برابر تأمین شده باشد؛ شامل حق کار، تحصیل، حضانت، طلاق و سایر حقوق خانوادگی. در شرایط کنونی، محدودکردن مهریه یا تغییر نحوه وصول آن، علاوه بر ایجاد مشکلات عملی برای زنان، باعث می‌شود زنان در دسترسی به سایر حقوقشان نیز با موانع بیشتری مواجه شوند». نادی همچنین بر اهمیت آموزش و توانمندسازی زوج‌ها در روابط خانوادگی تأکید می‌کند. به باور او، تقویت مهارت‌های زندگی، افزایش آگاهی و آموزش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین زن و مرد، می‌تواند راهکار مؤثرتری برای کاهش پرونده‌های مالی و تعارضات خانوادگی باشد. فقط در صورتی که زنان از برابری در زندگی اجتماعی و خانوادگی برخوردار باشند، می‌توان با طراحی طرح‌های مناسب، محدودیت‌هایی در مهریه ایجاد کرد بدون آنکه به عدالت و حقوق زنان آسیب برسد. او نتیجه می‌گیرد تغییرات اجباری در مهریه، از جمله تحمیل «عندالاستطاعه» برای همه، نه‌تنها به برابری نمی‌انجامد، بلکه تبعیض بلاجهت ایجاد کرده و عدالت را به سود مردان تحریف می‌کند. راهکارهای عادلانه‌تر، شامل آموزش، توانمندسازی اقتصادی و حقوقی زنان و تقویت نظام خانواده است که می‌تواند به کاهش پرونده‌های زندان و اختلافات مالی کمک کند.

«عندالاستطاعه» از منظر حقوق زنان

سارا باقری، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان، با اشاره به ماده‌های ۱۰۸۰ و ۱۰۸۲ قانون مدنی در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد که مهریه به محض وقوع ازدواج، در مالکیت زن محسوب می‌شود و زن می‌تواند هر نوع تصرفی در آن داشته باشد. بر این اساس، مشروط‌کردن مهریه به استطاعت صرفا در صورت ترازی طرفین امکان‌پذیر است و نمی‌تواند به عنوان یک قاعده کلی و اجباری اعمال شود. به باور باقری، پیشنهاد آیت‌الله سبحانی مبنی بر عندالاستطاعه‌کردن مهریه، اصل آزادی اراده در قراردادها را نقض کرده و تعهد زوج را از یک دین مسلم به تکلیفی معلق تبدیل می‌کند. این تغییر نه‌تنها نظم حقوقی را دگرگون، بلکه جایگاه حمایتی مهریه برای زنان را نیز تضعیف می‌کند. از منظر حقوق زنان، مهریه و نظام فعلی ایران، به‌ویژه با توجه به محدودیت‌های ساختاری حمایت مالی از زنان پس از طلاق، یکی از معدود حقوقی است که امنیت نسبی برای زنان ایجاد می‌کند. در صورت مشروط‌شدن مهریه به استطاعت، زنان عملا از این پشتوانه حقوقی محروم می‌شوند و توازن حقوق و تکالیف زوجین در ازدواج کاهش می‌یابد: «این مسئله به‌ویژه از این رو اهمیت دارد که درخواست طلاق زنان مشروط به اثبات شرایط عسر و حرج است و فرایند دسترسی به حقوق آنها پیچیده و دشوار است». باقری همچنین به ظرفیت بازنگری فقه امامیه اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد این ظرفیت زمانی بالفعل می‌شود که فقیه، موضوعات اجتماعی را متناسب با تحولات زمانه بازتعریف کند: «در فقه سنتی، مرد نقش نان‌آور اصلی خانواده را دارد و زن از نظر اقتصادی منفعل و وابسته تعریف می‌شود؛ مهریه، نفقه و تمکین همگی مبتنی بر این نظام مردسالار است. اما در جامعه معاصر، زنان نقش اقتصادی و اجتماعی فعال دارند و ادامه‌دادن قواعد سنتی بدون بازنگری، به نابرابری ساختاری منجر می‌شود». باقری تأکید می‌کند با توجه به نظام حقوقی ایران، مهریه حق مسلم زن است و نمی‌توان به بهانه کاهش جمعیت کیفری، امکان وصول این حق را محدود کرد؛ «حذف ضمانت اجرای مهریه بدون ایجاد سازوکار جبرانی مؤثر، به معنای حذف امنیت اقتصادی زنان و ایجاد بی‌عدالتی مضاعف است. او معتقد است که فقط با بازنگری در ساختار حقوقی و فقهی خانواده، ایجاد توازن واقعی بین زن و مرد و طراحی سازوکارهای جبرانی، می‌توان به اصلاح مسائل ناشی از مهریه پرداخت، بدون آنکه حقوق زنان تضعیف شود».

گاه زنان از آن به عنوان اهرم فشار برای احقاق حقوق ازدست‌رفته استفاده می‌کنند و گاه مردان با پنهان‌کردن دارایی یا انتقال اموال از پرداخت مهریه می‌گریزند. به باور احمد، در چنین شرایطی «هرکس زیرک‌تر باشد، برنده می‌شود» و این نشانه‌ای است از ضعف قانون، نه از برتری یکی از جنسیت‌ها

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
شرکت رنگارنگ پارچه سرا (با مسئولیت محدود)
بشماره ثبت ۱۳۶۹۹۰ با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۱۰۸۰
به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ راس ساعت ۱۲:۰۰ به نشانی تهران ونک خیابان شهید شمس لاهیجانی خیابان شهیدفوزی پلاک ۱۲ طبقه اول برگزار می گردد خواهشمنداست در جلسه حضور بهم رسانید.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده : ۱ – انتخاب هیئت مدیره جدید ۲ – سمت سهامداران ۳ – تغییر آدرس دفتر شرکت
رییس هیئت مدیره شرکت رنگارنگ پارچه سرا

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
یک مرحله‌ای
فراخوان مرمت و بازسازی
قنات گمرگان / حاجی آباد شهرستان ملارد
مدیریت امور عشایر استان تهران در نظر دارد فراخوان مرمت و بازسازی قنات گمرگان / حاجی آباد شهرستان ملارد به شماره ۲۰۰۴۰۰۳۰۴۲۰۰۰۰۱۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۳۰۰۰ میلیون ریال
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : تهران خیابان طالقانی خیابان برادران مظفر شمالی پلاک ۱۰۲ مدیریت امور عشایر استان تهران
شماره تماس ۰۲۱۸۶۰۳۶۱۳۰ داخلی ۱۰۳

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۰۹۰۰۱۰۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نازی فلاحت پیشه بشماره شناسنامه -کملی ۰۲۰۲۱۰۵۱۷۲ صادره از ساوجبلاغ فرزند اسدالله در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در ان به مساحت ۲۵۰متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک شماره ۲۰۴۹ فرعی از ۱۵۴ اصلی واقع در حسن آباد و با خریداری از مالک رسمی طبق سند رسمی شماره یکتا ۱۴۰۱۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۲۹۹۳ شماره سریال محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴ / ۰۷ / ۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۵
مهران رشیدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج
۴۲۲۱

مدرک گواهی موقت فارغ التحصیلی اینجانب نازگل قربانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۵۱۳۱ صادره از آمل در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی صادره از واحد دانشگاهی آزاد بابل به شماره ۱۵۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل به نشانی: بابل، بزرگراه رحیمی، نرسیده به محله گرجی آباد، دانشگاه آزاد بابل ارسال نماید.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR